



زنان صفوی

• ریحانه جواهری زاده

■ زن در تاریخ صفویه

■ عباسقلی غفاری فرد

■ تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۴، ۱۱۳ ص، ۸۰۰ تومان

اداره امور جنگ برمی آمدند. در ادامه این بخش، مؤلف به بحث درباره دو تن از همسران شاه اسماعیل به نام‌های تاجلو خانم و بهروزه خانم می‌پردازد و نظر منابع مختلف را درباره اسارت این دو تن در جنگ چالدران ذکر می‌نماید.

بخش سوم، «سیاست و درگیری در توطئه‌های سیاسی» است. به عقیده مؤلف انتخاب همسرانی که ریشه ترکمنی، گرجی و چرکسی داشتند، موجب می‌شد آنان برای کسب مقام ولایتعهدی برای پسران خود از هیچ تلاشی فروگذار نباشند. در این میان بیشترین سهم را «پریخان خانم»، دختر شاه تهماسب، داشت که سبب شد اسماعیل میرزا به جای حیدر میرزا بر تخت بنشیند و پس از درگذشت شاه اسماعیل دوم نیز تا رسیدن شاه محمد خدابنده، جمیع امور سلطنت را به دست گرفت.

فرد دیگری که مؤلف به شرح احوالات او می‌پردازد، خیرالنسا بیگم (مهدعلیا)، همسر شاه محمد خدابنده و مادر شاه عباس اول، است. از آنجا که محمد شاه کور بود، همسرش خیرالنسا بیگم زمام امور سلطنت را به دست گرفت و به عزل و نسب حکام و مأموران لشکری و کشوری پرداخت. وی همچنین در سال ۹۸۶ قمری که مصطفی پاشا به ایران لشکر کشید، فرمان جمع آوری سپاه را صادر کرد و با پسر بزرگ خود حمزه میرزا در قراباغ توقف کرد و بخش بزرگی از ولایت شروان را دوباره به تصرف ایران درآورد.

در بخش چهارم، مؤلف به نقش زنان در عرصه وساطت، شفاعت، حمایت و مشاوره می‌پردازد و نمونه‌های فراوانی از وساطت‌ها و شفاعت‌ها و گاه مشاوره‌های زنان بزرگان و درباریان ارائه می‌دهد؛ از آن جمله از زینب بیگم، دختر شاه

مؤلف در مقدمه کتاب، ذکر می‌کند که تاریخ‌نگاری دوره صفویه بیش از هر چیز متوجه شخص پادشاه است و در نتیجه تاریخ‌نگاری سیاسی - نظامی است و به جنبه‌های فکری و فرهنگی و اجتماعی کمتر توجه دارد و سفرنامه‌نویسان نیز به دلیل حرمت ورود به جامعه زنان، اطلاعات فراوانی در اختیار نمی‌گذارند، به این علت، از نظر مؤلف «مطالعه تاریخ زنان در دوره صفویه از نظر جامعه‌شناختی چندان ساده به نظر نمی‌رسد» با این وصف، وی بیان می‌کند که تلاش کرده است از همه آنچه درباره زنان در این عصر وجود دارد، استفاده کند و «تصویری از زن در تاریخ صفویه، هرچند با تکیه بر زنان مشهور و خاندان سلطنتی» ارائه دهد.

مؤلف، کتاب را به ۹ بخش تقسیم کرده است؛ در بخش نخست که «جانبازی» نام دارد، تاریخچه مختصری از تشکیل دولت صفوی ذکر شده و به نقش زنی به نام اوبه جراحه که در راه اسماعیل میرزا جان باخت، اشاره شده است. این زن کسی است که به اختفای دو فرزند حیدر، اسماعیل و ابراهیم، کمک می‌کند.

بخش دوم کتاب با عنوان «در میادین نبرد» به موضوع حضور زنان در جنگ‌ها می‌پردازد. همسران شاه، سرداران لشکر، ملازمان شاه و سربازانی که از خود شایستگی نشان داده بودند، در جنگ‌ها حاضر می‌شدند. علاوه بر این، بر اساس گزارش جهانگردان، برخی از بانوان ایرانی مسلح به جنگ می‌رفته‌اند؛ چنان که در جنگ چالدران شماری از زنان صفوی بر ضد عثمانی‌ها جنگیدند و اجساد شماری از زنان صفوی در میدان جنگ پیدا شد. گاهی نیز زنان در مقام فرماندهی قشون و



تاریخ‌نگاری دوره صفویه بیش از هر چیز متوجه شخص پادشاه است و در نتیجه تاریخ‌نگاری سیاسی - نظامی است و به جنبه‌های فکری و فرهنگی و اجتماعی کمتر توجه دارد

نویسنده تلاش کرده است تصویری از زن در تاریخ صفویه، هرچند با تکیه بر زنان مشهور و خاندان سلطنتی ارائه دهد

صفویه، در تمام شهرهای ایران، فاحشه‌خانه‌های زیادی وجود داشت و تنها شهر اردبیل از این شیوه مستثنا بود. اینان به دولت مالیات می‌پرداختند در لشکرکشی‌ها و مجالس مهمانی به صورت مطرب و رقاصه حاضر می‌شدند. علاوه بر این، در اصفهان کاروانسراهایی بود که به آنان اختصاص داشت.

در بخش هشتم با عنوان « مجازات زنان»، مؤلف نمونه‌های چندی از کشته یا سوزانده شدن زنان حرمسرای صفویه نقل می‌کند که همگی، در اثر زیاده‌روی شاهان در شراب‌خواری یا کینه‌توزی آنان، جان خود را از دست داده‌اند.

آخرین بخش، « مراسم ازدواج و زن در خانه» است که به گفته مؤلف، این بخش آخر، بیش از بخش‌های دیگر به زندگی زنان عادی اختصاص دارد. پوشش و حجاب زنان صفوی، مراسم خواستگاری و آداب و رسوم عروسی در این بخش به صورت مختصر بیان می‌شود. آداب ازدواج و طلاق گرجی‌ها، ارامنه و زردشتی‌ها نیز ذکر می‌گردد.

کتاب «زن در تاریخ نگاری صفوی» کتاب کوچک و کم‌حجمی است که برای ورود به بحث زنان در دوره صفوی مفید است. مؤلف بیشتر به نقل مطالب از سفرنامه‌ها و تواریخ صفوی بدون تحلیل آن‌ها می‌پردازد؛ از این رو، این کتاب می‌تواند منبعی برای تحقیقات ثانویه درباره زن دوره صفوی قرار گیرد.

تهماسب، نام می‌برد که از مشاوران اصلی شاه عباس بوده و شاه حتی در امور جنگ نیز با او مشورت می‌کرد.

«حرمسرا» پنجمین بخشی است که مؤلف بدان می‌پردازد. بیشتر سلاطین و افراد متنفذ و معروف، زنان متعددی داشتند و برای اداره آن‌ها به دستگاه عریض و طویل نیازمند بودند که این دستگاه ضرورت تشکیل حرمخانه یا حرمسرا را موجب می‌شد. رخنه به حرمسراها و کسب اطلاع از آن‌ها کار بسیار مشکلی بود؛ از این رو اطلاعات، محدود به خبرهایی بود که فروشندگان، معلمان، بازیگران و نوازندگانی که گاه به حرم راه می‌یافتند، با خود بیرون می‌آوردند.

مطلب بعدی در این بخش، مربوط به ربودن زنان و دختران برای حرمسراست که در میان پادشاهان صفویه، امری معمول بوده است و گاه این امر به جنگ و خونریزی نیز می‌انجامید. پس از آن به نقش زنان حرمسرا در تربیت ولیعهد اشاره می‌شود، به ویژه آن که این نقش، از دوره شاه عباس اول به بعد، پررنگ‌تر می‌گردد؛ زیرا شاه عباس شیوه تازه‌ای در پرورش ولیعهد در پیش گرفت و آن عبارت بود از فرستادن ولیعهد به حرمسرا.

از دیگر اعضای حرمسرا خواجگان هستند. خواججه‌ها مردان اخته‌ای بودند که عمدتاً از میان سیاهان و یا هندی‌ها انتخاب می‌شدند. این‌ها را در کودکی می‌خریدند و اخته می‌کردند تا آزادانه در حرم رفت و آمد کنند و در خدمت زنان حرمسرا باشند. خواجگان عهده‌دار مسئولیت‌های دیگری نیز بودند، از آن جمله سرپرستی شاهزادگان، خزانه‌داری و عضویت در شورایی که تصمیمات و نظرات دولت را اجرا می‌کرد.

مؤلف در بخش ششم کتاب، « نقش زنان در علم و سازندگی» را مورد بررسی قرار می‌دهد. زنان در حرمسرای شاهی و زنان بزرگان، ادبیات، تاریخ و ریاضیات می‌آموختند. دختران ملامحمدباقر مجلسی، همسر شیخ بهایی، دختر میر عماد حسنی، دختر ملامحمدشریف رودشتی اصفهانی از زنان دانشمند و هنرمند عصر صفوی بوده‌اند. زنان و دختران پادشاهان صفوی در عرصه سازندگی فعال بودند و پل‌ها، کاروانسراها، خانقاه‌ها و مدارس متعددی به دست آنان ساخته می‌شد.

« روسپی‌گری» هفتمین بخش کتاب است. در دوره